



یورش به منزل جعفر عظیم زاده برای دستگیری وی و بازتاب آن

شهلا دانشفر

اعضای هیئت مدیره و کارگران عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران در کردستان به همراه جمع هایی از کارگران به نمایندگی از کارگران اخراجی کارخانه نساجی کردستان و پریس صفحه ۲

نگاه خواهند داشت، پس از یکساعت منزل وی را ترک کردند. این عمل وحشیانه نیروهای انتظامی با واکنش اعتراضی اتحادیه آزاد کارگران ایران، رهبران این اتحادیه چون پروین محمدی، ناهید خداجو، جوانمیر مرادی و شاپور احسانی راد روبرو شد. همچنین

ظهر روز ۵ بهمن مامورین دادستانی تهران به منزل جعفر عظیم زاده رئیس اتحادیه آزاد کارگران یورش بردند تا او را دستگیر کنند، اما جعفر منزل نبود. آنها با تهدید فرزندش و اعلام اینکه بالاخره پدرش را دستگیر و طولانی مدت در زندان

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۹۸

جمعه ۱۵ بهمن ۱۳۹۵، ۳ فوریه ۲۰۱۷

اعتصابات طولانی در مراکز بزرگ

کارگری ادامه دارد صفحه ۲



کارگران هپکو حضور نوبخت را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند

صفحه ۱۰

سیاستهای راسیستی ترامپ محکوم است

نه دیوار، نه ممنوعیت!

صفحه ۸

جمعی از آتش نشانان مشهد دست به

تجمع اعتراضی زدند صفحه ۸

تجمع کارگران فشار قوی برق

حکومت را بلافاصله عقب راند

صفحه ۷

حکم ترامپ در ممنوعیت شهروندان هفت کشور کدام اهداف؟ کدام چشم انداز؟

صفحه ۳

علی جوادی

جمهوری اسلامی به روایت آمار و ارقام

محمد شکوهی

خط فقر اعلام شده حکومتی بالای سه میلیون تومان است.

شده است. بیش از ۳۰ درصد کارگران و مردم دسترسی به هیچ بیمه ای ندارند. میلیونها کارگر جویای کار بیمه بیکاری ندارند.

آمارها سخن میگویند: شاخص فقر و فلاکت در ایران به ۶۰ درصد نزدیک

صفحه ۱۰

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر:

اخبار اعتراضات دهها مرکز کارگری در هر روز از شهرهای مختلف، نشانی بارز از گسترش هر روزه دامنه اعتراضات کارگری است. هفته گذشته خبرهای بسیاری به سرتیترهای مهم اخبار کارگری تبدیل شدند. اعتراضات قدرتمند کارگران هپکو و فضای پرتحرک اعتراضات کارگری در شهراراک، پایان سال ۹۵ و موعد تعیین حداقل دستمزدها برای سال آتی، دو موضوع مهم اخبار و مسائل کارگری در هفته گذشته است.

صفحه ۶

متن سخنرانی مینا احدی در پارلمان سوئد

صفحه ۵

هدیه ای جالب و آموزنده بخاطر تولد فنلاند

صفحه ۷

کاظم نیکخواه



دهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران در ماه مارس ۲۰۱۷ به طور علنی در یکی از شهرهای اروپا برگزار میشود. از کلیه علاقمندان به سیاست در ایران، فعالین اجتماعی و دست اندرکاران رسانه ها دعوت میکنیم در این کنگره شرکت کنند.

کنگره دهم حزب به چه نیازهایی باید پاسخ گوید و انتظار شما از این کنگره چیست؟

-شهلا خباز زاده، بابک یزدی، ناصر اصغری

صفحه ۹

اعتصابات طولانی در مراکز بزرگ کارگری ادامه دارد

یورش به منزل جعفر عظیم زاده ...

کارگران فشار قوی برق باز هم دست به تجمع زدند

امروز ۱۲ بهمن ۵۴۰ نفر از کارگران پست‌های فشار قوی برق در مقابل ساختمان مجلس دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان مستقیم شدن قراردادهای استخدامی و همسان‌سازی مزایای مزدی خود شدند. کارگران در اطلاعیه‌ای که منتشر کرده‌اند می‌گویند درست در زمانی که یکسان‌سازی حقوق و مزایا در برنامه ششم توسعه تصویب شده است مسئولان وزارت نیرو و شرکت توانیر درصددند که بخش فوق توزیع پست‌های فشار قوی برق کشور را به شرکت‌های توزیع که دارای مشکلات عدیده هستند، واگذار کنند. کارگران نگران امنیت شغلی خود هستند.

کارگران هیکو امروز هم دست به تجمع اعتراضی زدند

تجمع امروز ۱۰۰۰ کارگر هیکو در اراک پاسخ کارگران به نوبخت سخنگوی دولت روحانی است که دیروز در اراک قول‌های سر خرمن داد. قول‌هایی که اسفند سال قبل هم به کارگران داده شد اما حتی حقوق اسفندشان هم پرداخت نشد. به کارگران قول داده شده که کارفرما همه مطالبات کارگران شرکت هیکو را تا اسفند ماه پرداخت کند و بخشی از این مطالبات قرار است طی روزهای شنبه و یکشنبه هفته آینده به حساب کارگران واریز شود. اما کارگران اعتمادی به قول و قرارهای وزیر و مقامات و کارفرما ندارند و اعلام کردند که به تجمعات اعتراضی خود ادامه می‌دهیم تا زمانی که حقوق‌ها پرداخت شود. تجمعات اعتراضی کارگران از اوایل دیماه شروع شده و تاکنون بیش از ۲۰ تجمع و راهپیمایی توسط کارگران سازمان داده شده است.

کارگران اخراجی ثامن الحجج بار دیگر مقابل مجلس تجمع کردند

بیش از ۵۰۰ نفر از مجموع ۲۷۰۰ کارمند ثامن الحجج بار دیگر تجمعات خود را از سر گرفتند تا به نامشخص بودن وضعیت شغلی خود اعتراض کنند. معترضین روز ۱۳ دیماه نیز تجمع مشابهی در مقابل مجلس برپا کرده بودند که تعدادی از نمایندگان مجلس قول پیگیری مطالبات آنها را دادند اما پس از یکماه عملی نشد.

تجمع اعتراضی ۴۸۰ کارگر مسجد سلیمان وارد ۲۶ مین روز شد

کارگران می‌گویند در این ۲۶ روز هیچکدام از مسئولان حکومتی و مقامات کارفرمایی و نماینده مجلس از مسجد سلیمان توجهی به خواست‌های کارگران نداشته‌اند. دو خواست فوری کارگران پرداخت فوری معوقات حقوقی سال جاری و تضمین امنیت شغلی است. چند نفر از مسئولان کارخانه روز قبل با حضور در جمع کارگران معترض تلاش کردند با دادن وعده و وعید کارگران را از ادامه تجمعات خود منصرف کنند که با مخالفت کارگران روبرو شدند. کارگران بین ۱۵ تا ۱۸ ماه معوقه مزدی طلب دارند.

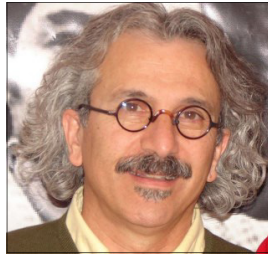
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۲ بهمن ۱۳۹۵، ۳۱ ژانویه ۲۰۱۷



ها و ایجاد تشکل‌های کارگری مبارزه خواهیم نمود و کارگران زندانی را آزاد خواهیم کرد. این واکنش‌ها گوشه‌ای از کارزار علیه امنیتی‌کردن مبارزات کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی را به نمایش می‌گذارد. کارزاری که با بیانیه مشترک جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی در آستانه اول مه ۹۵ آغاز شد و اکنون ابعادی اجتماعی به خود گرفته است. کارزاری که به مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها و اعتراض به زندگی زیر خط فقر، و مبارزه برای آزادی‌های سیاسی پایه‌ای چون حق تشکل، حق اعتصاب، آزادی بیان، حق تجمع تأکید می‌گذاشت و خواست مشخص آن پایان دادن به امنیتی‌کردن این مبارزات بود. در ادامه چنین کارزاریست که یورش به منزل جعفر عظیم زاده از هماهنگ‌کنندگان طومار ۴۰ هزار امضا بر سر خواست افزایش دستمزد، آنهم درست در مقطع تعیین حداقل دستمزدها برای سال آتی و حاد تر شدن مبارزه بر سر این موضوع، با واکنش درخور کارگران روبرو شده است. این کارزار ادامه دارد. وسیعا به آن بیونددیم.

سندج و شاهی سندج طی نامه‌ای با اشاره به اینکه درست در آستانه تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال ۹۶ اقدام به دستگیری جعفر عظیم زاده شده است، این عمل دستگاه قضایی را محکوم کردند. در بخشی از این نامه چنین آمده است: "آقای عظیم زاده صدای اعتراض ما کارگران و مدافع پیگیر حقوق کارگران است. ما کارگران تلاش این انسان خستگی‌ناپذیر را ارج می‌نهمیم. شرایط ما کارگران دیگر با این وضعیت غیر قابل تحمل و فلاکت‌بارکنونی، فرق چندانی با شرایط حبس و زندان ندارد. ما کارگران ایران از هیچ تلاش و کوششی جهت ارتقاء دستمزدها، احیای حقوق پایمال شده خود و تلاش برای ایجاد و گسترش تشکل‌های مستقل کارگری دریغ نخواهیم کرد همچنانکه هر روزه شاهد چندین تجمع و اعتراض و اعتصابات کارگری برای دستیابی به مطالباتمان هستیم. ما کارگران اجازه نخواهیم داد که براحتی کارگران را زندانی نموده و به حبس بکشید. قوه قضائیه و مسئولین امنیتی مطمئن باشند که در مقابل ادامه این فشارها بر فعالین کارگری ساکت نخواهیم نشست. و جهت ارتقاء دستمزد

حکم ترامپ در ممنوعیت شهروندان هفت کشور



این مصاحبه بر مبنای برنامه تلویزیونی گفتگو تنظیم شده است.

پرسش: دستور العمل جدید دونالد ترامپ، رئیس جمهور جدید آمریکا، با موجی از واکنشهای اعتراضی در سطح آمریکا و جهان مواجه شده است. این دستور العمل چه میگوید؟ دامنه این اعتراضات چیست؟ شعارهای محوری کدام است؟

علی جوادی: این "حکم ولایتی" ورود شهروندان هفت کشور اسلام زده از جمله ایران را به آمریکا برای مدت سه ماه و ورود پناهندگان این کشورها را برای مدت چهار ماه ممنوع کرده است. پناهندگان سوری برای همیشه از ورود به خاک آمریکا منع شده اند. در پس اجرایی شدن این "حکم ولایتی" تعداد زیادی از فرودگاههای محل ورود به آمریکا، علی‌رغم داشتن ویزای معتبر، به کشورهای محل تولد دیپورت کردند. حتی کودک چهارساله ای را که دارای تابعیت آمریکا بود به بهانه پوچ و واهی "امنیت آمریکا" در فرودگاه دالس دستبند زده و برای ۵ ساعت بازداشت کردند.

اما از همان ابتدای صدور این حکم ضد انسانی ما شاهد شکل گیری اعتراضات گسترده و وسیعی در مخالفت و در همبستگی با قربانیان آن مواجه شدیم. بسیاری از فرودگاههای بین المللی کشور و همچنین کاخ سفید محل تجمع اعتراضات گسترده اردوی آزادیخواهی در مقابله با این تهاجم فاشیستی هیات حاکمه جدید آمریکا شد. شعارها انسانی و برابری طلب بود: "نه منع، نه دیوار"، "هیچ انسانی غیر قانونی نیست"، "این سرزمین من است، سرزمین تو است، سرزمین ما است"، "تعرض به مهاجرین ممنوع". بسیاری برای کمک های حقوقی و ترجمه به سمت فرودگاهها

شتافتند. بسیاری از وکلای مدافع حقوق مدنی دادگاهها را با موجی از دعاوی حقوقی مبنی بر نقض حقوق مدنی این افراد و غیر انسانی بودن این "حکم حکومتی" آن مواجه کردند. بطوریکه با حکم یک دادگاه نیویورک توانستند حکم تعلیق موقتی این حکم و آزادی افرادی را که در فرودگاهها تحت بازداشت بودند، دریافت کنند. این اعتراضات همچنان ادامه دارد. مراکز دانشگاهی، حتی موسسات عالی تکنولوژیک نیز به اعتراض پرداخته اند.

پرسش: نقد اصولی و عملی شما به این سیاست چیست؟

علی جوادی: ما اصولاً منتقد سازمانیابی جوامع بشری بر مبنای کشور و جدایی مردم این کره خاکی بر مبنای جغرافیای مکان تولد هستیم. ما از جامعه ای که به دور آن سیم خردار و دیوار بکشند، مردم جامعه بشری را تحت انقیاد طبقه حاکمه نگهدارند، تا بهتر بتوانند استثمارشان کنند، بیزاریم. ما بطور اصولی با تقسیم بندی جامعه بشری بر مبنای کشور مخالفیم. ما از اینکه باید از نیرویی - دولتی برای سفر و چرخش در این جهان با هزار خواهش و تمنا و مورد تحقیر واقع شدن "روادید" گرفت، بیزاریم. ما از اینکه مانع و سدی در رابطه با ورود و خروج انسانها مبنی بر اینکه کجا زندگی کنند، کجا کار کنند، به کجا سفر کنند، از کجا بازدید کنند، بیزاریم و چنین سازمانیابی را ضد انسانی میدانیم. ما این موانع را عقب مانده، ارتجاعی و مغایر با اصل اصالت آزادی و برابری انسانها میدانیم. جامعه مورد نظر ما جامعه ای جهانی مبتنی بر تعاون و نه رقابت است. مرزهای ملی و کشوری باید ملغی شود!

اما مادامیکه و تا زمانیکه چنین مرزها و تقسیمات کشوری موجود است ما خواهان: "ممنوعیت اعمال هر نوع

همانطور که اشاره کردید گوشه ای از یک تعرض عمومی و بنظر من نتوفاشستی برای باز تعریف و تغییر سیاست طبقه حاکمه در آمریکا و متعاقباً در سطح جهانی است. اما مشخصاً به این سؤال باید پاسخ داد که چرا و چگونه؟

این لیست همه کشورهای اسلام زده و یا به اصطلاح "مسلمان نشین" را مورد تعرض قرار نداده است. از این رو آن شاخه ای از اسلام سیاسی که پروآمریکایی است و در تقابل با شاخه دیگر آن و مشخصاً حکومت اسلامی در ایران قرار دارد، در این لیست قرار ندارد.

اما کشورهایی که شهروندان آن در این لیست کذایی قرار گرفته اند، اساساً حوزه هایی از نفوذ و عملکرد حکومت اسلامی حاکم بر ایران هستند. عراق، سوریه، یمن، سودان، به طور مشخص و قابل وضوحی. و به قول رودی جولیان، شهردار سابق نیویورک و از همدستان باند ترامپ، هدف کشورهایی است که "منشاء خطرند" و اگر شما دولتهای کشورهای ذکر شده در این لیست را در کنار تبلیغات سیاسی محافل فکری اصلی در هیات حاکمه کنونی آمریکا قرار دهید، مبنی بر اینکه "تمدن غرب" مورد تعرض "تروریسم اسلامی" قرار گرفته است، ما در گرماگرم "جنگ تمدنها" هستیم، متوجه خطوط اصلی نقشه عمل عمومی این جریان میشوید.

این جریانات دارند میکوشند که حکومت اسلامی در ایران و اسلام سیاسی آنتی آمریکایی را در مکان و ظرفیت کیسه بوکس و نیروی "شر"، نیروی "ضد مدنیت غرب" و در مقابل آمریکای "سفید و مسیحی" قرار دهند. میخواهند بلندش کنند، تا بکوبندش و احتمالاً به جنگش بروند. میخواهند برای این دوره جدید از تکاپوی آمریکای میلیتاریست یک دشمن به اصطلاح "قابل" و "قدر" تعریف کنند. (و این مانده ای آسمانی برای حکومت جانین اسلامی است. دستشان را برای تعرض

به تحرکات گسترده جاری در جامعه بازتر میکند). این سیاست به طور ویژه ای سیاست قبلی هیات حاکمه آمریکا را که اساساً خود را در مقابل با "روسیه جدید"، "روسیه پوتین"، در دوران پس از جنگ سرد تعریف میکرد و میکوشید که آرایش کنونی جهان سرمایه داری در غرب را اساساً در قبال این روسیه تعریف و باز تعریف کند، به کناری میزند. نزدیکی و چرخش سیاسی موضع سیاسی هیات حاکمه جدید آمریکا در قبال روسیه اساساً در این چهارچوب قابل تبیین است.

چرخشهای سیاسی بسیاری در سطح جهان در حال شکل گیری است. جهان وارد دوران پر تلاطمی از تاریخ خود شده است.

پرسش: مبالغین این سیاست میگویند که برای حفظ امنیت داخلی مردم آمریکا ناچار به صدور این دستور العمل شده اند؟ پاسخ شما چیست؟ برای حفظ امنیت مردم از تعرض تروریسم واقعاً چه باید کرد؟

علی جوادی: مزخرف میگویند! حتی خود میلیغین "فهم تر" طبقه حاکمه آمریکا میگویند که خطری از جانب این مردم متوجه مردم در آمریکا نیست. میگویند احتمال اینکه شهروند آمریکایی مورد تعرض تروریستی این افراد که در لیست سیاه قرار داده شده اند قرار گیرد از احتمال تصادف در اتوبانهای آمریکا با گاو یا خطر کشته شدن در حین پوشیدن لباس، کمتر است!

واقعیت چیز دیگری است. اینها دارند "نیروی شر" جدید را تجدید در دوران ترامپ تعریف میکنند. در دوران جنگ دوم جهانی هم شهروندان ژاپن را دستگیر و روانه کمپهای اجباری کردند. دارند در این راستا حرکت میکنند. البته جامعه هم ساکت و بی اعتنا ننشسته است. آن دوران و آن فجایع هم بهیچوجه به سادگی قابل تکرار نیستند. جامعه اجازه نخواهد داد. بعلاوه نیرویی که خود سهم

حکم ترامپ ...

از صفحه ۳

مهمی در به قدرت رسیدن هیولای اسلام سیاسی در ایران و بخشهایی از خاورمیانه داشته است، نمیتواند مدعی مبارزه جدی علیه اسلام سیاسی باشد. کسانی که خود عصای زیر بغل و چوبدستی اسلام سیاسی در تسلط بر جوامع بشری شده است، نمیتوانند مدعی مبارزه جدی علیه اسلام سیاسی باشند. کسانی که خود همواره و هم اکنون نیز اسلام سیاسی را به "خوب و بد" تقسیم میکنند، و از بخش "خوب" آن بر علیه بخش دیگر آن دفاع میکنند، نمیتوانند مدعی مبارزه جدی علیه اسلام سیاسی باشند. کسانی با جنگ و میلیتاریسم و لشکر کشی به عراق دست به کشتار بیش از یک میلیون انسان بی گناه و نابودی شیرازه جامعه زدند و زمینه را برای تحرک گسترده تر تروریسم اسلامی و به میدان آمدن هیولای دیگری، داعش، فراهم کردند، نمیتوانند مدعی مبارزه علیه تروریسم شوند. کسانی که هم اکنون از پدر خوانده های داعش و سایر شرکاء شان دفاع میکنند و آنها را تجهیز میکنند، نمیتوانند مدعی مبارزه علیه تروریسم اسلامی شوند. اینها خود روی دیگر همان توحش و ضدیت با انسان امروزی اند.

برای تامین امنیت و آسایش مردم باید به سراغ دولت‌ها و گروه‌های اسلامی رفت. باید بشریت را از شر این نیروها خلاص کرد. جنگ و میلیتاریسم و لشکر کشی نه تنها پاسخ نیست، بلکه خود بخشی از مساله و روی دیگر همان سکه است. آخوندهای مسلح و دولت‌ها و جریان‌های تروریستی و زنه‌های آماده شلیک هر دو دشمن آزادی و آسایش و امنیت مردم اند. برای خلاصی از شر تروریسم اسلامی باید ریشه ها و زمینه های آن را علاوه بر دولت‌ها و گروه‌بندیهای آنها مورد تعرض قرار داد. و این کار ماست. کار جنبش کمونیسم کارگری است. هر درجه

گسترش آزادی و برابری و رفاه مردم گام بزرگی در حفظ آسایش و امنیت مردم است. حل مساله فلسطین و ایجاد کشور مستقل و متساوی الحقوق فلسطین یک حلقه مهم در این چهارچوب است. استراتژی ما برای نابودی تروریسم اسلامی، سرنگونی حکومت اسلامی و حل مسائل ریشه ای است که به این جنبش پرو بال داده است.

پرسش: برخی میگویند که این دستور العمل یک اقدام علیه "مسلمانان" است. اقدامی برای "ممنوعیت مسلمانان" به آمریکا است. آیا به عنوان یک جریان ضد اسلامی نباید با این اقدام همسویی کرد؟

علی جوادی: بهیچوجه! ابتدا باید تاکید کنم که ما خود در صف مقابل هر نوع تعرضی به شهروندان جامعه مستقل از تعلق و باورهای مذهبی و خرافی و هر باوری هستیم. تعرض به مردم منتسب به اسلام تعرض به جامعه است. ضد انسانی است. ما برای جامعه ای مبارزه میکنیم که هیچگونه تبعیضی در آن بر حسب جنسیت، ملیت، تکلم به زبانهای مختلف و یا مذهب وجود نداشته باشد. ما در حین مبارزه برای کوتاه کردن دست مذهب از زندگی مردم در سطح حقوقی برای آزادی مذهب و بی مذهبی مبارزه میکنیم.

بعلاوه اطلاق "مسلمان" و یا "اسلامی" قلمداد کردن مردم و جامعه ایران یک سیاست آشکارا ارتجاعی و در خدمت جنبش کثیف اسلام سیاسی است. ما بارها اعلام کرده ایم که ایران جامعه اسلامی نیست. دولت ارتجاعی حاکم بر ایران اسلامی است. باید کور بود و ندید که جامعه ایران هر روزه درگیر یک مبارزه همه جانبه علیه اسلام و قوانین و سنتها و حکومت اسلامی حاکم است. این جامعه برای خلاصی خود از شر هیولای اسلامی جانفشانیهای بسیاری کرده است. حکومت اسلامی برای اسلامیزه کردن

جامعه هر روز میزند و دستگیر میکند و شکنجه میکند. ما هر روزه شاهد گوشه ای از یک جهاد ضد انسانی برای تحمیل اسلام بر زندگی و فکر و روان جامعه در مقابل مردمی که نمیخواهند اسلامی باشند، هستیم. مردمی که میخواهند آزاد و برابر و مرفه و امروزی باشند.

مبارزه ما علیه اسلام بمثابه یک صنعت مافیایی مبارزه ای فرهنگی و آگاهگرانه و سیاسی است. ما همانطور که آزادی مذهب را برسمیت میشناسیم، در همان حال خواهان کوتاه کردن دست مافیای مذهب از زندگی مردم هستیم، همانطور که جامعه را باید از شر مالاریا و طاعون و سایر مضرات اجتماعی باید نجات داد، باید جامعه را از شر مصائب دستگاه مذهب خلاص کرد.

پرسش: شهروندان ایران و شش کشور دیگر در لیست "ممنوع" شدگان قرار گرفته اند. برخی از جریانات ملی-اسلامی و اصلاح طلبان حکومتی میگویند که چرا ایران در این لیست قرار گرفته است؟ در حالیکه افرادی با تابعیت عربستان سعودی، مصر و پاکستان و امارات متحده عربی عامل اجرایی بسیاری از اقدامات تروریستی در سطح جهان بوده اند؟ چرا این کشورها در لیست نیستند؟ پاسخ شما چیست؟

علی جوادی: پاسخ من روشن است. همانطور که قبلا اشاره کردم، ما مخالف پایه ای هر نوع مجازات دسته جمعی هستیم. ما نمیخواهیم شهروندان بی گناه عربستان سعودی و مصر و پاکستان به جرم جنایت جریانات و دولتهای تروریستی مجازات شوند. اگر گروههایی با تابعیت سعودی و یا مصری و پاکستانی مرتکب جنایاتی شده اند، باید به سراغ مجرمین و عاملین و آمرین این جریانات رفت. تعرض به مردم بیگناه به جرم "هم کشوری" بودن، یک سیاست تماما ارتجاعی است.

میدانم که فهم این مساله برای ناسیونالیسم کپک زده ایرانی سخت است. شاید "تقصیری" هم ندارند؟! ضدیت با نفس انسانیت انسان یک رکن ایدئولوژی و

فکری این گرایش ارتجاعی است. اما این کشورها در لیست کذایی ترامپ قرار ندارند چرا که دولتهایشان (سعودی و پاکستان) بعضا در زمره شاخه ای از اسلام سیاسی هستند که کم و بیش در کمپ آمریکا قرار دارند. مصر یک دولت نظامی پلیسی متحد آمریکا است. بعلاوه این یک انتخاب سیاسی است. حقیقی و واقعی نیست. گوشه ای از یک جدال سیاسی است. جدال اردوگاههای تروریستی در سطح جهان معاصر.

پرسش: گرایش‌های راست و ارتجاعی اپوزیسیون ایران، از سلطنت طلبان دو آتش گرفته تا توده ای ها و مجاهدین در دفاع از این سیاست به خط شده اند. این اقدام و سایر سیاستهای سیاستهای ترامپ را اقدامی علیه رژیم اسلامی میدانند؟ آیا منفعت مبارزه علیه رژیم اسلامی ایجاب نمیکند که با این سیاستها همسو شد؟

علی جوادی: خیر! در درجه اول باید گفت که این اقدام ارتجاعی مانده ای آسمانی برای حکومت اسلامی و سایر جریانات تروریست اسلامی در سطح خاورمیانه است. بر خلاف تصور این جریانات ارتجاعی در اپوزیسیون حکومت اسلامی جمهوری اسلامی به استقبال این "مانده" آسمانی میرود. دستشان در تعرض ارتجاعی و فالانژیستی علیه جامعه ای که در گیر مبارزه ای جدی برای سرنگونی و خلاصی از حکومت اسلامی است، باز تر میشود. تاثیرات این اقدام مانند نقش جنگ ارتجاعی ایران و عراق برای حکومت اسلامی است. از نظر ما هم اعمال تحریم های ضد انسانی و هم قرار دادن خطر جنگ در بالای سر جامعه اقدامی ضد مردمی و بیمارگونه است و کوچکترین ربطی به امر آزادی ندارد.

جریاناتی که این واقعیت را نمی بینند، تاریخ را نمی بینند، جامعه را نمی بینند. این جریانات با حمایتشان از ترامپ تنها سیاهی و کراهت عمق سیاستهایشان را به نمایش

میگذارند. همسویی این جریانات با تروریسم دولتی و میلیتاریسم آمریکا گوشه از استراتژی سیاهی است که در مخیله دارند. افزایش بی امان این جریانات و نشان ماهیت ضد انسانی سیاستها و اهدافشان یک وظیفه سیاسی ما در کسب آزادی و برابری و رفاه همگان و پیش شرط آن، سرنگونی حکومت اسلامی است.

ما در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی هیچگونه همسویی با میلیتاریسم و تروریسم دولتی نداریم. همسویی ما با امر آزادی و برابری و انقلاب کارگری است. همین!

پرسش: به عنوان سئوال آخر، ارزیابی و پیش بینی شما از این وضعیت چیست؟

علی جوادی: دوره ای جدی از تلاطمات اجتماعی و سیاسی جهانی آغاز شده است. در یک سو ما شاهد تعرض جریان نفوذاشیست ترامپ و متحدین اش علیه بشریت مترقی و "خطر سوسیالیسم" هستیم. و در سوی دیگر شاهد اعتراضات گسترده ای که نشان از بیداری و پایان یافتن دوران رخوت و سستی پس از پایان جنگ سرد می باشیم. تا همین جا بشریت مترقی توانسته است که صفحات درخشانی در تاریخ مبارزات اجتماعی خلق کند. پیروزی در این مبارزات، پیروزی در این جدال عظیم نیازمند غلبه یک افق سوسیالیستی و رادیکال بر این اعتراضات اجتماعی است. مستلزم شکل گیری و رهبری احزابی از جنس کمونیسم کارگری در سطح جهانی است. سوسیالیسم تنها راه خلاصی از این بربریت و توحش سرمایه داری است. راه حل میانه ای در کار نیست.

متن سخنرانی مینا احدی در پارلمان سوئد روز ۲۵ ژانویه ۲۰۱۷



به کنفرانس حقوق بشر در مورد امکان رفرف در این قوانین و امکان کنار آمدن با حکومت اسلامی.

من در غرب دیدم که دولتهای اروپایی با این هیولا داد و ستد میکنند و به افکار عمومی خود میگویند، این فرهنگ آن مردم است، نمیتوان دخالت کرد. من در اروپا فمینیست هایی را دیدم که مرا آرام میکردند و میگفتند جنبش اسلامی آنطور که تو میگوی بد نیست، این فرهنگ آن مردم است و تو نباید چنین رادیکال باشی!

مالتی کالترالیسم و تعریف جنایت به اسم فرهنگ، چشم فرو بستن به جنایات و سکوت در مقابل این همه سنگسار و اعدام و ترور بر علیه مردم در ایران و افغانستان و سودان و عربستان سعودی و در همه جا، یک پدیده همگانی بود و باید فکری به حال این موضوع میکردیم.

من در اروپا و در سال ۲۰۰۱ کمیته بین المللی علیه سنگسار را به همراه ۳۰۰ نفر از منتقدین سرشناس جنبش اسلامی سازمان دادم و شروع کردیم به مبارزه علیه سنگسار و در ایران و افغانستان و پاکستان و سودان جان زنان را نجات میدادیم و در اروپا به نقد مالتی کالترالیسم و نسبییت فرهنگی پرداخته و میگفتیم حقوق انسان جهامتمشول است، کشتن زن فرهنگ نیست جنایت است در استکهلم و تهران و کابل و در همه جا.

سال ۲۰۰۴ کمیته علیه اعدام و در سال ۲۰۰۷ نهاد اکس مسلم را بنیان گذاشتیم، چرا که در آلمان میدیدم که ما در آغاز همه خارجی بودیم و بتدریج همه مهر مسلمان بر پیشانی داشتیم.

در آلمان میدیدم که دولت آلمان با سازمانهای اسلامی به عنوان نماینده مسلمانها کنفرانس

شد و امریکا و دول غربی برای اینکه حکومت آتی ایران در دوران جنگ سرد به آغوش روسیه نیفتد، در ایران از آخوند و مسجد و حکومت اسلامی دفاع کردند. اینها اکنون فاکت است. و من در آن دوران که وارد گردباد شدیدی شده بودم، اسم خمینی را از بی بی سی شنیدم و گفتند که او رهبر انقلابی است که اسمش را انقلاب اسلامی گذاشته بودند، من ولی برای اسلام انقلاب نکرده بودم، برای آزادی و زندگی بهتر رفته بودم خیابان و ما بیشتر بودیم کسانی که در انقلاب شرکت کردیم.

این بار حکومت اسلامی اعلام شد و تعرض به ما زنان آغاز شد، چادر و حجاب شد قانون و هر نوع تفکر و نقد با اعدام پاسخ گرفت. هزاران نفر در سالهای اول قدرت گرفتن جنبش اسلامی اعدام شدند از جمله همسر من، و خودم غیابی به اعدام محکوم شدم.

من شریعه و زیر سوال بردن حقوق انسان را قبول نداشتم، ده سال در کردستان پارتیزان بودم و سپس ۱۹۹۰ به وین رفتم. جنبش اسلامی با تحمیل حجاب حمله به زنان و مردم را شروع کرد، با اعدام این حمله را ادامه داد و سپس با سنگسار زنان و همجنسگرایان اعلام کرد که زندگی همه ما در دستهای ما است. سنگسار زن در اواخر قرن بیست، برای من یک واقعه بسیار و بسیار مهم بود. با دیدن اولین سنگسار گفتم اگر دنیا و اگر مردم مدرن و مترقی در اروپا و در همه جا بشنوند و ببینند که زن را زنده زنده در گودال انداخته و با پرتاب سنگ زجرکش میکنند، همه بیپا میخیزند و کاری میکنند.

اکنون ۱۹۹۳ بود و من در کنگره جهانی حقوق بشر در وین بودم و میدیدم که دنیا مشغول دیالوگ با نمایندگان این جنبش و فرستادگان حکومت اسلامی

با تشکر از سارا محمد و نهاد پلا و فادیمه را فراموش نکنیم. من مینا احدی هستم و سرگذشتم و زندگی به نوعی بیانگر، مبارزه بر علیه هیولایی است به نام جنبش اسلامی که امروز زندگی همه ما را در همه جا تحت تاثیر قرار داده است. ما تازه سال ۲۰۱۷ را شروع کردیم و همه ما در همه جا گفتیم و نوشتیم که سال ۲۰۱۶ سال بدی بود. سال اضطراب و ترور و سال رو آمدن جنبش های دست راستی و ضد خارجی در بسیاری از کشورها، سال غرق شدن صدها پناهنده در دریاها و سال به بن بست رسیدن سیاستهای غلط دولتهای اروپایی در مقابل هیولایی به اسم جنبش اسلامی!

گفتم که زندگی با تولد و قدرت گرفتن این هیولا در اواخر قرن بیست عجیب شد، کمی بیشتر توضیح میدهم. در ایران متولد شدم و در یک شهر کوچک زندگی را شناختم. از نه سالگی بدلیل سنت و فرهنگ اسلامی با چادر به مدرسه رفتم و سپس دیدم که با این چادر سیاه که باید بر سر و بدنم بکشم گفته میشود که بدنم ناموس مردان است و هویتم همچون زن و انسان زیر پرده سیاه به اجبار خانواده و همراهی با فرهنگ دیگران باید پنهان نگاه داشته شود.

من برای آزاد شدن از قید و بند خانواده، تلاش کردم به شهر بزرگ و دانشگاه بروم این اتفاقات در دوره حکومت قبلی ایران یعنی زمان شاه بود. به دانشگاه رفتم حجابم را پرت کردم و زندگی آزاد را شروع کردم. من ۱۹ سال داشتم و میخواستم دنیا را کشف کنم، میخواستم مینی ژوپ پوشیده و مارکس و تولستوی را بخوانم، این امکان پذیر نشد. فکر کردن و نقد و تجسس ممنوع بود. در مقابل سیستم قرار گرفتم. با یک انقلاب حکومت شاه سرنگون

ایران و عراق و افغانستان و مصر و سودان در حال مبارزه با این جنبش دیکتاتور و انسان ستیز هستیم. غرب و روشنفکران و الیت فکری آن باید از رنسانس و دستاوردهای آن دفاع کنند اکنون جنبش اسلامی دست در دست کلیسا پیشروی میکند و دولتهای غربی تا امروز کوتاه آمده اند. باید این سیاست تغییر کند.

من آمده ام بگویم که یک قانون برای همه باید باشد و این قانون، قانونی است که در اروپا برای آن مبارزه شده قوانین متکی بر حقوق زن، حقوق کودک، حقوق انسان و از این قانون در برابر شریعه که از اعدام و دست و پا بردن دفاع میکند و آن را آدم حساب نمیکند باید دفاع کرد.

من آمده ام بگویم که ما در حال مبارزه هستیم و ما باعث شدیم که ترس از جنبش اسلامی کمتر بشود چرا که علیرغم تهدید به مرگ، با صدای بلند میگوییم جنبش اسلامی ضد انسانی است و باید علیه آن بود و نه در صدد رام کردن و یا بزرگ کردن آن.

پیام من در این نشست به دولت سوئد اینست که سیاست خود را در مقابل سازمانهای اسلامی باید عوض کنند، همکاری با سازمانهای اسلامی و ساختن مسجد و دادن سوبسید به سازمانهای مرتجع را باید کنار گذاشت، از پرنسحپ یک قانون برای همه و سکولاریسم و جهانشمولی حقوق انسان باید دفاع کرد.

اسلام سازمان میداد و در مورد انتگراسیون و زندگی همه ما که مهر برپیشانی داشتیم با آنها مذاکره میکرد.

در آلمان دیدم که چون کلیسا هنوز امکانات میگیرد و نفوذ دارد به سازمانهای اسلامی امکانات و سوبسید میدهند و امام آموزش میدهند و با جنبش اسلامی کنار می آیند که در اروپا هم بر زندگی میلیونها فرار کرده از دست حکومتهای اسلامی اعمال نفوذ کنند.

در اروپا دیدم که روشنفکران و منتقدین کلیسا هم با جنبش اسلامی مدارا میکنند و میگویند نقد اسلام راسیسم را تقویت میکند و در اروپا دیدم که چپ ضد امپریالیست طرفدار دخالت مسجد در زندگی من و زنان آزاده ای است که میخواهند در اینجا نفس بکشند و ما به نوعی در مهد تمدن و رنسانس و مقابله با دخالت مذهب در زندگی مردم، تنها مانده ایم.

ما تنها ماندیم چرا که دولتها به دلیل روابط حسنه اقتصادی و سیاسی، جنبش اسلامی را کمک میکردند، تنها ماندیم چرا که چپ، قلیش با اسلامها میزد که ظاهرا آه مظلومان بود. در مقابل استعمار و امپریالیسم، تنها ماندیم چرا که تهدید به ترور و گرو کشی جنبش اسلامی در غرب موثر بود سلمان رشدی ده سال مخفی شد و گونتر گراس کلمه ای در نقد سنگسار نگفت...

من اکنون به اینجا آمده ام بگویم ما زنان و ما مردم در

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

اعتراضات قدرتمند کارگران هپکو و فضای پرتحرک اعتراضات کارگری در این شهر

اعتراضات پرتحرک مراکز کارگری در شهر اراک طی سه هفته اخیر، خصوصا اعتراضات قدرتمند کارگران هپکو، نوبخت سخنگوی دولت را به این شهر کشاند. روز ۱۱ بهمن کارگران هپکو با تجمع در مقابل استانداری مرکز و پای کوبیدن و شعار دادن، حضور نوبخت را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند.

کارگران در این روز بار دیگر سرود زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی، وای از این وضع، وای از این وضع را سر دادند و با شعار به اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه، اعتراض خود را نه فقط به ۷ ماه دستمزد پرداخت نشده و خطر بیکار شدنشان از کار، بلکه به کل این بساط تبعیض و نابرابری اعلام کردند و خواستار فوری طلبهایشان شدند. در این حرکت اعتراضی کارگران با امضای طوماری مبنی بر خواست پرداخت دستمزدهای پرداخت نشده و برکناری مدیریت، اعتراض پر شوری را به نمایش گذاشتند. در این سفر نوبخت از کارخانجات هپکو و آوانگان که اعتراضات داغی در آن در جریان است، دیدن کرد و کارگران بر اعتراضات شدت دادند.

در عین حال کارگران هپکو با ادامه اعتراض متحدانه شان در روز ۱۲ بهمن، پاسخ وعده های پوچ نوبخت را که گفته است، همه مطالبات کارگران تا اسفند ماه پرداخت میشود و بخشی از آن طی روزهای شانزدهم و هفدهم دیماه پرداخت خواهد شد، دادند و

دست به تجمع زدند. حرف کارگران اینست که به این وعده ها اعتمادی ندارند و تا وقتی پول به حسابشان واریز نشود، به تجمعات اعتراضی خود ادامه خواهند داد.

اعتراضات کارگران هپکو، و در کنار آن به تحرک در آمدن کارگران آوانگان اراک با خواست بازگشت به کار خود و پرداخت فوری ۲۷ ماه دستمزد معوقه شان و اعتراض کارگران ماشین سازی اراک بخاطر ۴ ماه دستمزد پرداخت نشده، فضای پرتحرکی از اعتراض و مبارزه

سخنرانی های خود و با شعارهای کوبنده شان توجه مردم شهر را کاملا به خود جلب کرده اند. جا دارد که مردم شهر فعالانه از اعتراضات این کارگران و خواست های بحق آنها حمایت کنند.

آخر سال و موعد تعیین حداقل دستمزدها

آخر سال است و موعد تعیین حداقل دستمزد سراسری کارگران برای سال آتی فرا رسیده است. فضای اعتراض بر سر خواست افزایش دستمزدها در سال جاری آنچنان فشاری بر



روی حکومت آورده است، که تا آخرین ماههای سال سکوت را اختیار کرده اند و حتی تا کنون کمیته مزدشان را هم تشکیل نداده اند. همچنین خبری از های و جنجال معرکه بازان نهادهای دست ساز حکومتی و دارو دسته های شوراهای اسلامی که یک پای کمیته مزد دولت هستند، نیست. اما کارگران در ادامه اعتراضاتشان خود را برای جدال بر سر این موضوع آماده میکنند. از جمله اتحادیه آزاد کارگران ایران طی فراخوانی خطاب به همه کارگران در سراسر کشور پیرامون حداقل مزد سال ۹۶، اولین جرقه را زد. در این فراخوان ضمن اشاره به این فضای سکوت از سوی دولت چنین آمده است: "امسال با توجه به سیاست آشکار و بسیار گستاخانه دولت روحانی برای انجماد حداقل مزد، عدم برگزاری جلسات مزد و همچنین کوتاه آمدن تشکلهای

ها و نفت، صنایع خودروسازی و فولاد و معادن، خواستار این شده است که به هر شکل که میتوانند از طومار نویسی گرفته تا تجمعات مطالبه محور و اعتصاب و به خیابان آمدن، دست به اعتراض زنند و خواستار افزایش فوری دستمزدها بر اساس سید هزینه یک خانواد چهار نفره بشوند."

واقعیت اینست که جنبش بر سر خواست افزایش دستمزدها، هم اکنون جنبشی اجتماعی است. جنبشی است که اعتراض به زندگی کردن زیر خط فقر است و خواستش افزایش دستمزدها در قدم اول بالاتر از میزان خط فقر. جنبش برای خواست افزایش دستمزدها در عین حال جنبشی است که اعتراض به تبعیض و نابرابری و حقوقهای نجومی و خواستش یک زندگی انسانی است.

خواست افزایش دستمزدها



به بالای خط فقر که در سال گذشته با رقم سه میلیون و پانصد هزار تومان، به میدان آمد، یک محور مهم بیانیته مشترک جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی بود. بیانیته ای که دو صف کارگران و معلمان را در این مبارزه متحد میکرد و اعتراضش به امنیتی کردن این مبارزات برحق بود. محاسبات بر طبق نرخنامه های بانک مرکزی ایران در دیماه ۹۵ حداقل هزینه یک خانواده چهار نفره ماهانه ۴۴ میلیون و ۵۳۷ هزار تومان است در حالیکه حداقل دستمزد ۸۱۲ هزار تومان است. از همین رو اکنون جنبش بر سرخواست افزایش دستمزد، با شعار خط فقر چهار میلیون، حقوق ما یک میلیون دارد به جلو می آید. این شعار را در پلاکاردهای اعتراض کارگران علیه لایحه ضد کارگری اصلاح قانون کار و در اعتراضات اخیر معلمان بازنشسته دیدیم. این رقم بنیایش را از نرخهای اخیر دولتی مبنی بر اعلام مخارج ماهیانه خانوار گرفته است. دلیلش نیز اینست که مضمون اصلی رقمی که از سوی کارگران به عنوان اولین گام برای خواست افزایش دستمزدها اعلام میشود، بطور واقعی اعتراض به زندگی زیر خط فقر است.

نگاهی به جنبش برای خواست افزایش دستمزدها، بیش از پیش پیشرویهای کارگران در عرصه مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها را بیان میکند. جنبشی که در مقابل شوراییالی کار و کمیته مزد و چانه زنی از بالای سر کارگران، ایستاده و خودش رقم میدهد. و رشمش اعتراض به خط فقر و

کارگران در هفته ای که گذشت از صفحه ۶



هدیه ای جالب و آموزنده بخاطر تولد فنلاند

کازم نیکخواه

به این خبر توجه کنید! دولت نروژ در نظر دارد بخاطر صدمین سال تولد فنلاند، یک قسمت کوهستانی از کشورش بنام "کوهستان هالتی" را به فنلاند هدیه بدهد. در این قسمت که در مرز شمالی نروژ واقع شده یک قله کوهستانی و یک شهرک قرار میگیرد. فنلاند با گرفتن این کوه، بلندترین قله اش هفت متر بلند تر میشود.

جغرافی دان بازنشسته "بیورن گر هرسون" در نامه ای این پیشنهاد را به دولت داد. و نخست وزیر نروژ با این پیشنهاد موافقت کرده است و گفته میشود که پارلمان هم با آن مخالفت نخواهد کرد. مردم شهرک مزبور که از نروژ به فنلاند منتقل میشوند از این پیشنهاد استقبال کرده اند و اعلام کرده اند که مشکلی ندارند و زندگی مادی شان تغییر زیادی نمیکند اما به محور تازه ای در دوستی بین مردم دو کشور تبدیل میشوند که مهم است. فرماندار این شهرک گفته است امیدواریم این تصمیم عملی شود و به تجربه ای آموزنده برای مردم دنیا تبدیل شود. در کشور فنلاند و نروژ این موضوع با استقبال مواجه شده است و فضای جالبی از دوستی را دامن زده است.

هنوز این تصمیم عملی نشده است چون صدمین روز استقلال فنلاند اواخر سال ۲۰۱۷ است که در این سال بلشویکها تصمیم گرفتند به فنلاند که توسط تزار به خاک روسیه الحاق شده بود، استقلال بدهند.

واقعا این تجربه هم تاریخی و هم آموزنده و مدرن و انسانی است. در این دنیایی که هنوز ناسیونالیسم و و تعصب ملی بیدار میکند، هنوز بر سر یک متر خاک این کشور و آن کشور، جنگهای خونین در میگیرد و تاکنون شمار نامعلومی که سر به ده ها میلیون نفر از جوانان و مردم میزند در جنگهای ملی به خاک و خون کشیده شده اند، بله در این دنیایی که حتی همین امروز هر روز صدها کودک و زن و مرد برای عبور از مرزها و رسیدن به یک کشور امن در دریاها غرق میشوند، آری در این دنیا این حرکت کوچک و سمبلیک مهم و آموزنده است. بسیار آموزنده است. اگر از من می پرسید باید بگویم هیچ مقدار خاک و مرز و تنب بزرگ و تنب کوچک و نام این شهر و آن کوه، ارزش ریختن خون یک تک انسان را ندارد. این دولتها و حکومتها و حاکمین هستند که مفت میخورند و از این خون و خونریزی ها بر سر قلمروهای ملی سود برده اند. و مردم عادی فقط رنج برده اند و قربانی شده اند و به مرغ عروسی و عزای مفتخوران تبدیل شده اند.

باری فنلاند و نروژ در اسکاندیناوی به نحو استثنایی ای دارند به ما مردم درس تازه ای میدهند که زیباست.

حراج گذاشتن نیروی کار کارگران و اجرای سیاست جنایتکارانه ارزان سازی نیروی کارشان بایستیم. تجمع و اعتراض کنیم. و خواستهای روشنمان را اعلام کنیم. طومار بنویسیم. در مدیای اجتماعی همه این نکات را به بحث در بیاوریم و بر سر اشکال اعتراضاتمان و پیگیری خواستهایمان به تصمیم واحد برسیم.

ایست که تمامی تشکلهای موجود و رهبران کارگری میتوانند قدرتمند در کنار هم و در پیشاپیش این اعتراضات قرار گیرند. با اتکاء به این نیروی عظیم اجتماعی میتوانیم در برابر تعرضات حکومت اسلامی و سیاست ارزان سازی نیروی کارش بایستیم و جلو رویم. یکماه و نیم بیشتر به پایان سال نمانده است. در مقابل سکوت توطئه گرانه دولت و ریزنی های پنهانی شان برای به

خواست واقعی اش زندگی در خور انسان است. خواستش زندگی ای پر از رفاه و شادی و جامعه ای آزاد و برابر و انسانی است.

ابعاد اجتماعی جنبش برای خواست افزایش دستمزد، نیروی بزرگی را در خود نهفته دارد. صفی که در برگیرنده کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و بخش عظیم حقوق بگیران و صف ۹۹ درصدی ها را شکل میدهد. همچنین این عرصه



تجمع کارگران فشار قوی برق حکومت را بلافاصله عقب راند

فرامیخواند. حکومت در بحرانی عمیق است. اعتراضات کارگران و بخش های مختلف مردم گسترش یافته است. همبستگی میان مردم بسیار عمیق تر شده است. موج همبستگی با کارگران آتش نشانی در سراسر کشور این واقعیت را بخوبی نشان میدهد. این عوامل فضا را برای عقب راندن حکومت بیش از هر زمان آماده کرده است. باید با تمام قوا برای به کرسی نشاندن خواست های خود به میدان بیاییم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ بهمن ۱۳۹۵، ۱ فوریه ۲۰۱۷

قرارداد مستقیم با وزارت نیرو و همسان سازی مزایای مزدی خود هستند. کارگران عقب نشینی نمایندگان مجلس را یک موفقیت برای خود میدانند اما نگرانند که وزارت نیرو ترندهای دیگری به زیان آنان در پیش گیرد. نفس این عقب نشینی مجلس اما نشان میدهد که حکومت از گسترش سریع اعتراضات کارگری وحشت دارد و اینجا و آنجا سعی میکند با عقب نشینی هایی اعتراضات را مهار کند.

حزب کمونیست کارگری، کارگران در سراسر کشور را به گسترش اعتصاب و اعتراض برای تحقق مطالبات خود

پس از تجمع کارگران فشار قوی برق در مقابل مجلس، نمایندگان مجلس بلافاصله اعلام کردند که اقدام وزارت نیرو مبنی بر واگذاری بخش فوق توزیع پست های فشار قوی برق به شرکت های خصوصی غیر قانونی است. وزارت نیرو تصمیم گرفته بود که بخش فوق توزیع فشار قوی برق را به شرکت های خصوصی که دارای مشکلات متعددی هستند واگذار کند و کارگران نگران امنیت شغلی خود بودند و روز دوشنبه ۱۲ بهمن ۵۴۰ نفر از آنها از سراسر کشور در مقابل مجلس دست به تجمع اعتراضی زده بودند. علاوه بر این کارگران خواهان



سیاستهای راسیستی ترامپ محکوم است نه دیوار، نه ممنوعیت!

حفاظت از جان و زندگی مردم آمریکا از تعرض تروریسم اسلامی است. دروغ میگویند! حتی خود متفکرین "فهم تر" طبقه حاکمه آمریکا میگویند که خطری از جانب این شهروندان متوجه مردم آمریکا نیست. این تعرضی به امنیت و حقوق مدنی افرادی است که خود سالهاست قربانی تروریسم اسلامی اند. انسانهایی که خود تاریخی از مقابله با تروریسم اسلامی و دولتهای تروریستی را شکل داده اند. سیاست تعرض به قربانیان حکومتهای اسلامی و مجرم قلمداد کردن انسانهایی که "گناهشان" تولد در جغرافیایی است که جریانات اسلامی با کشتار و ترور و خشونت و توحش ضد انسانی بر سرنوشتهان حاکم شده اند. یک سیاست انتقام جویانه قبیله ای و ضد بشری است. کسانی که خود زیر پر و بال جریانات تئوفاشیسم حاکم در آمریکا و دفاع بیشرمانه از این سیاستها نشان دادند که بویی از انسانیت نبرده اند. نشان دادند که برای رسیدن به اهداف ارتجاعی خود از هر سیاست کثیف و ضد

شعارهایی مانند: "نه دیوار، نه ممنوعیت"، "هیچ انسانی غیر قانونی نیست"، "این سرزمین من است، سرزمین ما است"، در بسیاری از این تظاهراتها بچشم میخورد. این اعتراض قادر شد حتی برخی از این مسافری را که در هواپیما برای برگشت قرار داده شده بودند، بیرون کشیده و آزاد کند. حزب کمونیست کارگری فرمان ضد انسانی ترامپ را به شدت محکوم میکند. ما در همبستگی با بشریت مترقی و آزادیخواه اعلام میکنیم که "هیچ انسانی غیر قانونی نیست!" ما خواهان ممنوعیت اعمال هر نوع محدودیت بر ورود و خروج اتباع سایر کشورها، خواهان اعطای تابعیت کشور به هر فرد متقاضی که تعهدات حقوقی شهروندی را میپذیرد و صدور بی قید و شرط اجازه اقامت و کار برای متقاضیان در آمریکا و ایران و در هر کشور دیگری هستیم. مدافعین ترامپ میگویند هدف از صدور این فرمان اقدامی برای تامین امنیت و

جمعه گذشته، ۲۷ ژانویه، دونالد ترامپ رئیس جمهور جدید آمریکا در هفته اول آغاز به کارش، طبق فرمانی اجازه ورود شهروندان ۷ کشور ایران، عراق، لیبی، سومالی، یمن، سودان و سوریه را به مدت ۳ ماه ممنوع کرد. بر طبق فرمانی دیگر اجازه ورود مهاجرین به مدت ۴ ماه و مهاجرین سوریه بطور دائم به آمریکا ممنوع شد. در پی اعلام این فرمان ضد انسانی موجی از اعتراض انسانی در مقابل کاخ سفید و فرودگاههای بین المللی آمریکا شکل گرفت. جریانات مدافع حقوق مدنی با دعاوی حقوقی خود و حکم دادگاه جلوی بازگشت دادن شهروندان این کشورها را که در فرودگاهها دستگیر شده بودند، سد کردند. آمریکای مترقی و آزادیخواه در این چند روز صحنه های باشکوهی از همبستگی انسانی مستقل از کشور محل تولد، مستقل از باور و عقیده و در دفاع از حقوق انسانی شهروندان در مقابل آمریکای مرتجع و عقب مانده خلق کردند.

انسانی دفاع میکنند و سر به آستان هر جریان فاشیستی می ساینند. اینها در کنار مردم نیستند در کنار ترامپ و سیاست های ضد انسانی او هستند. در ایران نیز همین سیاست های ضد مردمی را دنبال میکنند. ما در مبارزه بی امان خود علیه جمهوری اسلامی، این جریانات را بطور همه جانبه نقد و افشا میکنیم. فرمان ضد انسانی دولت ترامپ را باید با مقاومت و مبارزه همه جانبه در هم شکست. این مبارزه آغاز شده است. دور جدیدی از تقابلات اجتماعی در راه است. ما مردم آزادیخواه ایران را برای تحقق اهداف دیرینه خود به اردوی آزادی و برابری، اردوی کمونیسم کارگری فرامیخوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ بهمن ۱۳۹۵، ۳۰ ژانویه ۲۰۱۷

جمعی از آتش نشانان مشهد دست به تجمع اعتراضی زدند

جانباخته و یا توانایی ادامه کار ندارند و همچنین تجهیزات کافی با استاندارد بالا و افزایش پرسنل آتش نشانی دست به مبارزات سراسری بزنند. مطلع کردن افکار عمومی از معضلات و خواست های آتش نشانان و همینطور از تجمعات اعتراضی و عکس العمل ارگان های حکومتی، مردم را در حمایت از آتش نشانان به صحنه میاورد.

زنده باد مبارزات سراسری آتش نشانان

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ بهمن ۱۳۹۵، ۱ فوریه ۲۰۱۷

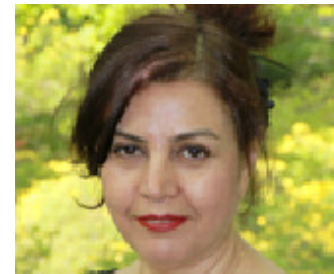
ساختمان پلاسکو تهران صورت گرفته است". بعبارتی کارگران آتش نشانی که همبستگی سراسری مردم با آتش نشانان را میبینند موقعیت را برای اعتراض مجدد و تحقق خواستهای خود مناسب میدانند. یکی از خواست های آتش نشانان در سراسر کشور محسوب کردن کار آنها بعنوان کار سخت و زیان آور است اما دولت حاضر به پذیرش آن نشده است. گویا اینهمه آسیب های جسمی و سوختن و جان باختن که نصیب آتش نشانان میشود برای مفتخوره های حاکم کافی نیست تا قبول کنند که این کار سخت و زیان آور است. وقت آن است که دهها هزار کارگر آتش نشانی در سراسر کشور برای تحقق خواست های خود از معرفی و مجازات ارگانها و مقامات حکومتی که بانی جانباختن بسیاری از آتش نشانان و مردم شد و نیز محسوب شدن کار آنها بعنوان کار سخت و زیان آور، افزایش حقوق، استخدام رسمی کارگران پیمانی و رفع مشکلات بیمه تا تامین کامل زندگی خانواده هایی که نان آورشان

تعدادی از آتش نشانان مشهد امروز ۱۳ بهمن با تجمع در مقابل استانداری خراسان رضوی خواهان رسیدگی به وضعیت شغلی خود شدند. ۱۲۰ آتش نشان که از ۵ سال قبل در استخدام بخش خصوصی هستند، خواهان پیوستن به بدنه سازمان آتش نشانی شهرداری مشهد و یکسان سازی حقوق خود میباشند. در عکس العمل به این تجمع بلافاصله معاون شهردار مشهد درمورد به حساب نیامدن ۵ سال سابقه کار این کارگران گفت: "این قانون مربوط به وزارت کشور است. پارسال که مجوز جذب ۳۰۰ آتش نشان به شهرداری مشهد از طریق شرکت در آزمون داده شد، یک ضابطه شرط سنی بود لذا آتش نشانان بخش خصوصی خواستار این بودند که سابقه فعالیتشان در شرط سنی لحاظ شود اما به رغم پیگیری موضوع وزارت کشور این امر را قبول نکرد". معاون شهردار مشهد اذعان کرد که "تجمع امروز آتش نشانان بخش خصوصی مشهد تحت تاثیر حادثه

کنگره دهم حزب به چه نیازهایی باید پاسخ گوید و انتظار شما از این کنگره چیست؟

شهلا خباززاده:

توجه ویژه به جنبش زنان



جنبش زنان در دور فعلی گامهای بزرگی به جلو برداشته و رشد و گسترش زیادی داشته است نمونه هایی نظیر مادران خاوران و مادران پارک لاله و وجود شخصیتهایی چون پروین محمدی و شعله پاکروان در جنبشهای اجتماعی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. حضور زنان در جنبشهایی نظیر جنبش کارگری علیه اعدام، برای آزادی زندانیان سیاسی، حقوق کودکان و دفاع از آزادی بیان را، نمی توان ندیده گرفت. در تظاهرات ها و اعتصابات کارگری زنان خود را در صف جلو مبارزه قرار داده اند. این مبارزات با حضور زنان با قدرت بیشتری به پیش می رود. اما هنوز این اول کار است و این حضور باید گسترده تر شود. زنان نه تنها بعنوان همسران و خانواده کارگران بلکه بعنوان مدعیان اصلی بیهقوکی کارگران باید به صحنه بیایند و در رهبری این جنبش نقش داشته باشند. میلیونها زن در کارگاهها و کارخانه ها، در مدارس و بیمارستانها و ادارات مشغول کار هستند. آنها به مراتب بیشتر استثمار میشوند و علاوه بر آن بطور مداوم در معرض تحقیر و توهین قوانین و اوباش اسلامی قرار دارند. تقریباً تمامی زنان بدون هیچ دستمزدی بار سنگین کارهای خانگی را بدوش میکشند. قوانین و سنن در جامعه مردسالار به صورتی شکل گرفته که گویی انجام روزی چند ساعت نظافت و غذا پختن و مراقبت از کودکان و شستشو و دوخت و دوز و ... یک امر طبیعی و ژنتیک است و غیر از آن قابل تصور نیست. مبارزه با این خرافه و اینگونه استثمار وحشیانه ولی خاموش زنان نیاز به روشنگری و بسیج انسانهای شریف و آزادیخواه دارد و اینکار فقط از حزب ساخته است. در سالهای اخیر بارها شاهد اعتراضات زنان پرستار، معلم و کارگر بوده ایم. زنان بیشتری باید در رهبر اعتراضات کارگری به صحنه بیایند. حزب در سازماندهی و قدرت بخشیدن به این اعتراضات باید نقش برجسته تری ایفا کند.

در مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی زنان نقش مهمی دارند. تعداد زیادی از زندان سیاسی زنانی هستند که بخاطر فعالیت های اجتماعی و سیاسی خود در شکنجه گاههای جمهوری اسلامی گرفتار هستند. هزاران زن در کمپین هایی نظیر دفاع از حقوق کودکان و حفظ محیط زیست فعال هستند. گذشته از همه اینها در جنبش برابری طلبی زنان و مبارزه آنان علیه آپارتاید جنسی این زنان هستند که نیروی اصلی بشمار می آیند.

قوانین اسلامی قبل از هر چیز زنان را نشانه گرفته است و مبارزه زنان با این قوانین از اولین روز به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی ادامه داشته است. مبارزه با حجاب بعنوان سمبل قوانین ضد زن اسلامی در سالهای اخیر به حدی افزایش یافته که آخوندها بر روی منابر گریه و زاری کرده و به عجز خود در مقابل بی حجابی اعتراف می کنند. صدور هزاران حکم شلاق، زندان، سنگسار و اعدام برای زنان نشان دهنده میزان کینه اسلاميون به زنان و از سوی دیگر نشان دهنده قدرت و عمق جنبش زنان است.

برنامه حزب کمونیست کارگری در باره برابری زن و مرد و حقوق زنان یک دستاورد مهم برای جنبش زنان است و مهمترین سندی است که برای مبارزه با مردسالاری و اشکال مختلف ستمکشی زنان می تواند راهنمای کار جنبش زنان باشد. حزب باید پرچمدار جنبش زنان باشد و کادرها و اعضای بیشتری در این جنبش دخالت کنند.

جنبش علیه مذهب بیشترین نیروی خود را از زنان میگیرد زنان در هر اعتراضی در صف اول مبارزه هستند به همین دلیل لازم است حزب فوکوس بیشتری روی جنبش زنان داشته باشد. و برای جذب فعالین این جنبش و سازماندهی و تشکیلی آنها برنامه داشته باشد و نیرو اختصاص دهد. انتظار من از کنگره دهم حزب این است که راهکارها و نقشه عمل های مشخصی در این مورد ارائه دهد و راه را برای پیشرفت قویتر جنبش زنان باز کند.



بابک یزدی:

کنگره چون مهمترین مجمع حزبی هست که تقریباً هر دو سال یک بار برگزار می شود، طبیعتاً مهمترین تصمیمات و مصوبات را باید داشته باشد.

انتظار من به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم می شود. در داخل روی جنبش های اعتراضی زنان، جوانان، معلمان، دانشجویان، پرستاران و به ویژه کارگران را که حزب روی همه آنها تا کنون تأثیرات به بسزائی داشته، کمیته داخل را روی آنها متمرکز کرده تا بتواند بیشتر و بهتر به خط و جهت حزب و جنبش کمونیست کارگری نزدیک کند. و حزب بتواند این سازماندهی و تشکیلات داخلی را به جایی و مرحله ای برساند که این جنبش ها را به هم نزدیک و یک خط، و متحدتر کرده و بتواند به مرحله و نفوذی برسد که حتی رهبری و اتوریته ی بخش زیادی از آنها را به دست آورد. روی آنها اتوریته ی بیشتر و بهتری پیدا کند. یعنی بتواند از حالت عام در آمده و به خاص برسد.

در خارج کشور، باید بتوانیم در حله اول تشکیلات و احزابی که به جنبش کمونیست کارگری متعلق هستند و یا خود را به این جنبش متعلق می دانند را نزدیک و حتی در خیلی موارد یک کاسه کنیم. در حله ی دوم باید بتوانیم حتی بخش زیادی از چپ رادیکالی که خواهان سرنگونی انقلابی رژیم هست را حول خواستهای مشخصی متحد کرده، تا سرنگونی انقلابی رژیم را نزدیکتر کنیم.

بطور کلی اتوریته و نقش کلیدی و محوری حزب را در اپوزیسیون انقلابی و سرنگونی طلب یک گام جدی و اساسی به جلو ببریم.



ناصر اصغری:

فوکوس بر جنبش کارگری

در فاصله بین دو کنگره ۹ و ۱۰، جامعه ایران شاهد جنب و جوش، و تحركات سیاسی مهمی بوده است. اعتراضات کارگری یک گوشه بسیار مهم این تحركات بوده. اما اینها گذشته اند. موقعیت معیشتی کارگران فقط به اعتراضات وسعت بیشتری خواهد داد؛ و اینجا دیگر وظیفه حزب و بخصوص کنگره ۱۰ حزب است که راه کنکرت و عملی نشان بدهد. روزانه شاهد چندین اعتراض مهم کارگری هستیم. قریب به اتفاق این اعتراضات جدا از هم بوقوع می پیوندند. معلمان، کارگران بازنشسته و کارگران بسیاری از مراکز مهم تولیدی و همچنین نمایندگان کارگران نفت، پیش از این اعتراض خود را ابراز داشته و توجه جامعه را بخود و اعتراض خود جلب کرده اند. کنگره حزب باید راهی جلوی جنبش کارگری بگذارد که این اعتراضات به یک کانال واحد رهنمون شوند که تأثیرگذار باشند. باید راهی جلو جنبش کارگری باز کند که رهبران جنبش کارگری عملاً به این حزب پیوندند. کنگره حزب باید یک بار دیگر بر سازمانیابی جنبش کارگری تأکید کند و بخصوص جنبش مجامع عمومی را برجسته کند.

واضح است که هیچ حزب طبقه کارگر، از جمله حزب کمونیست کارگری در جنبش کارگری خلاصه نمی شود. حزب طبقه کارگر بسیار فراتر از جنبش کارگری است. منتها جنبش کارگری و اعتراضات کارگران باید فوکوس تمام مجامع مهم حزبی مثل کنگره حزب طبقه کارگر باشند. اعتراضات سازمانیافته و متحد کارگری ما را به اهداف سیاسی و برنامه ای مان، که همان اهداف طبقه کارگر و جنبش کارگری است، نزدیک خواهد کرد.

جمهوری اسلامی به روایت آمار و ارقام

محمد شکوهی

حداقل دستمزد زیر یک میلیون تومان می باشد. گرانی مایحتاج عمومی و تورم رقمی بین ۳۴ تا ۴۵ درصد می باشد.

بین ۲۳ تا ۳۴ هزار میلیارد تومان درآمد دولت از محل هدفمندی یارانه ها "گم" شده است.

قاچاق کالا از مبادی رسمی حکومتی بالای ۷۰ درصد می باشد. میزان قاچاق کالا رقمی بین ۱۷ تا ۲۵ میلیارد دلار را حکومت اعلام کرده است.

نزدیک به ۲۰۰ هزار میلیارد تومان فقط ۵۰۰ بدهکار بانکی وام گرفته و پس نمی دهند.

دو هفته گذشته پلاسکو فروریخت و نزدیک به ۲۰ نفر کشته شدند. آتش نشانی با کمبود بودجه صدها میلیارد تومانی روبروست. دهها پلاسکوی دیگر فقط در تهران و صدها مورد در سراسر کشور موجود می باشد.

نزدیک به ۱۰ هزار مدرسه تخریبی در سراسر کشور وجود دارد. نیاز به ساخت هزاران مدرسه استاندارد در کشور ۹۵ درصد مدارس استاندارد نیستند.

۱۸ درصد بودجه ۹۵ به امور نظامی اختصاص داده شده. روز ۹ بهمن ماه هیات وزیران دوباره مبلغ نزدیک به دومیلیارد دلار به "امور نظامی" و صدا و سیما اختصاص داد.

همزمان با این تصمیم دولت دهها هزار نفر بر اثر بارندگی های شدید و جاری شدن سیل در استانهای جنوبی کشور بی خانمان شده اند. بیش از ۲ هزار خانه ویران شده. مردم از ابتدای ترین امکانات زیستی محرومند.

برف و کولاک در غرب کشور صدها روستا را محاصره کرده، هزاران کیلومتر از راههای ارتباطی مسدود شده اند. آب و برق و گاز بسیاری از شهرها و دهات قطع می باشد. حکومت میگوید با کمبود ۴ هزار دستگاه ماشین راهداری روبرو می باشد. دو ماه پیش طرح دوفوریتی اختصاص "بودجه ویژه" برای تحقیقات و گسترش صنایع موشکی را مجلس تصویب کرد. فقط امسال سپاه و بسیج ۵ مورد ساخت موشک بالستیک و ... را آزمایش کرده اند.

۱۰۰ هزار آخوند برای تبلیغ جهل و خرافه مذهبی رسماً در وزارت آموزش و پرورش استخدام شده اند. هزاران معلم ماهها به توجیه "کمبود پول" و اعتبار "با تاخیر حقوق هایشان را دریافت می کنند.

حکومت صدها میلیارد تومان صرف طلا کاری و مرمت قبور امامانشان در شهرهای نجف و کربلا کرده است.

در جنگ و دعوی باندهای دزدان حکومتی رقم دزدیهای باندهای حکومتی رقمی بالای ۱۲۰ هزار میلیارد تومان اعلام شده است و این رقم را دیوان محاسبات حکومت تأیید کرده است.

میلیونها کارگر و جوان جوپای کار نه منبع درآمدی دارند، نه بیمه ای و آن میلیونها کارگری که کار می کنند، دستمزدشان فقط کفاف ۱۰ روز اول ماه را میدهد.

اینجا تنها گوشه بسیار کوچکی از آمار و ارقام دزدی، لفت و لیس و هزینه های حکومت آدمکشان سرمایه داری اسلامی می باشد. ابعاد غارت و چپاول و دزدی و فساد در حکومت سرسام آور است.

بابک زنجانی، سعید مرتضوی، حسین فریدون برادر

حسن روحانی، نعمت زاده وزیر ۱۰۰۰ میلیاردی حکومت؛ و ... تنها نمونه های علنی شده از هرم مافیای دزدان و غارتگران حکومت به سرکردگی خامنه ای رئیس حکومت قاچاقچیان و دزدان نظام می باشد. سران سپاه و دم و دستگاه دولتی، دهها نهاد و موسسه وابسته به بیت رهبری و باندهای دولتی، همه و همه در راس باندهای مافیای قاچاق و دزدی و غارت قرار دارند. جمهوری اسلامی حکومت دزدان و دولت روحانی دولت مدیریت دزدان نظام می باشد. این حکومت کارش دزدی و غارت، تحمیل فقر و فلاکت؛ دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر، در کنار تشدید سرکوب و حره زندان و اعدام است. برای پایان دادن به این وضعیت حکومت فقر و فلاکت؛ حکومت دزدان و قاچاقچیان و آدمکشان اسلامی سرمایه را باید به زیر کشید.



کارگران هپکو حضور نوبخت را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند

روز دوشنبه ۱۱ بهمن کارگران هپکو در ادامه چند هفته اعتراض در مقابل استانداری اراک تجمع کردند و در حالیکه نوبخت سخنگوی دولت روحانی در استانداری حضور داشت کارگران شروع به شعار دادن کردند و در حالی که پا روی زمین میکوبیدند با شعارهایی مانند زیر بار ستم نمیکنیم زندگی و یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه از سخنگوی دولت استقبال کردند.

اعتراضات چند هفته ای و پرشور کارگران ماشین سازی هپکو و همینطور کارگران آونگان نوبخت را به اراک کشاند اما جرات حضور در جمع کارگران نیافت و در پشت اطاق های بسته استانداری اعلام کرد که فهرستی از نارسایی های هپکو به دولت ارائه خواهد داد! اما حتی کلمه ای در مورد خواست فوری کارگران مبنی بر هفت ماه حقوق معوقه به زبان نیاورد.

کارگران راهی جز به میدان آوردن تمام نیروی خود از جمله خانواده های خود و جلب همبستگی مردم شهر ندارند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ بهمن ۱۳۹۵، ۳۰ ژانویه ۲۰۱۷

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری در ماه مارس ۲۰۱۷ برگزار میشود کنگره علنی است و ورود برای عموم آزاد است!

دهمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران در ماه مارس ۲۰۱۷ به طور علنی در یکی از شهرهای اروپا برگزار میشود. از کلیه علاقمندان به سیاست در ایران، فعالین اجتماعی و دست اندرکاران رسانه ها دعوت میکنیم در این کنگره شرکت کنند.

کنگره فرصت مناسبی برای آشنائی از نزدیک با حزب، سیاست ها، کادرها، نحوه فعالیت و تصمیم گیری ما در جریان این عالیترین اجلاس حزبی است. از همه شما عزیزان دعوت میکنیم به کنگره ما بیایید. برای ثبت نام و کسب اطلاعات لازم از جمله هزینه ورودی کنگره با شماره تلفن و آدرس زیر تماس بگیرید:

تلفن تماس: 0046739868051
markazi.wpi@gmail.com

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود